

## مسئله‌ی دانشجویان ایرانی در خارجه

آقای دکتر هوشنگ منصوری کارشناس ریاضیات و آمار و از آموزگاران نام‌آواوم ریاضی است. لایبرده‌ی صنایع ارفاقدندان با تجربه و بسامقه. وساحب نظر و فعال در مسئله‌ی جوانان بشمار می‌رود. موضوع این گفتار، من سخنرانی آقای منصور در جلسه‌ی شنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳۴۱ در سیبازمسائل جوانان است که وقت آن به یسزدقیقه محدود بوده است. در این گفتار موضوعات زیرمورد گفتگو فرار گرفته است: توزیع آماری دانشجویان ایرانی در خارجه، جنبه‌ی مالی و آرزومنده، نخل هجوم جوانان خارجه، نگرانی و مخالفت نسبت به اعزام دانشجو خارجه، لزوم اعزام محصل، لزوم انتخاب احسن، مسئله‌ی کار دانشجویان بازگشته، لزوم توزیع شهابه‌ی کارشناسان است « بازار کار، برخورد کارشناسان بی‌سابقه در کار با کارکنان پرسابقه ولی کم‌تجربه.

بحث درباره‌ی مسئله‌ی دانشجویان ایرانی مقیم خارجه در سیمینار مسائل جوانان ایرانی بعهده اینجانب واگذار گردیده است. هفده هزار نفر جوان ایرانی که هم اکنون بمشور تحصیل در کشورهای خارجه مقیم هستند مسئله‌ی بزرگی را برای جامعه ما که از بسیاری حیثات اهمیت فراوانی دارد بوجود آورده‌اند و بدیهی است که در بررسی اوضاع و احوال نسل جوان فعلی ایران، مطالعه درباره‌ی این عده و سرنوشت آنها نیز شایان توجه و دقت خاص است. طبق آمار تقریبی منتشره که مؤلف تا پیش از محافل فرهنگی قرار گرفته است در حدود ۱۷ هزار نفر جوان ایرانی هم اکنون بمشور تحصیل در خارجه رحل اقامت افکنده‌اند.

از این عده تقریباً ۵ هزار نفر در شهرهای مختلف ایالات متحده آمریکا و ۹ هزار نفر هم در کشورهای اروپای قریبی ساکن‌اند. از این رقم آخر در حدود ۸ هزار نفر فقط در آلمان و اطریش و ۴ هزار نفر بقیه در معالکی مانند فرانسه، بلژیک سوئیس، انگلستان، ایتالیا و غیره مقیم‌اند.

علاوه بر این عده که در دستگاه وزارت فرهنگ دارای پرونده و سابقه بوده و با گذرنامه تحصیلی بخارجه اعزام شده‌اند عده زیادی جوان هم بدون دخالت وزارت فرهنگ با گذرنامه عادی بمشورین مختلف سیاح، جهانگرد، معامله، نمایندگی تجارتنی، دیدار اقوام و غیره بخارج از کشور مسافرت

نموده و بوسیله ثبت نام در مدارس خارجی عنوان دانشجویان را دارا می‌باشند؛ ولی چون تشریفات مربوط به اعزام محصل درباره آنها اجرا نگردیده است چگونگی وضع تحصیلی آنان در ادارات سرپرستی‌های محصلین کشورهای مربوطه منعکس نیست و این عده در گوشه و کنار شهرهای قاره آمریکا و همچنین در منطقه وسیعی از کنار رودخانه دانوب تا کرانه‌های اقیانوس اطلس در شهرهای مختلف قاره اروپا پراکنده‌اند.

بنابر این با توجه به آمار عزیمت عدد کل دانشجویان ایرانی مقیم خارجه بالغ بر ۲۰ هزار نفر است که این عدد تقریباً معادل مجموع محصلینی است که در دانشگاه و مدارس عالی تهران و دانشکده‌های شهرستانهای ایران به تحصیلات عالی اشتغال دارند.

از نقطه نظر مالی برای هر دانشجوی مقیم آمریکا ماهیانه ۲۰۰ دلار و برای هر دانشجوی مقیم اروپا ماهیانه ۴۵ لیره بابت هزینه‌های تحصیلی و مخارج حق‌التعلیم از ارزهای مملکت از مجرای رسمی یعنی از طریق بانکهای مجاز ارسال می‌گردد. و بابت نظر گرفتن نرخهای ریالی رسمی ارزهای فوق که تقریباً از قرار هر لیره‌ای ۲۱۵ ریال و هر دلاری ۷۷ ریال تسهیمی گردد، مبلغ کل ارزهایی که از این بابت بخارجه می‌رود با علاوه کردن مخارج رفت و آمد محصلین و ارزهای اضافی که غیر مستقیم برای آنان حواله میشود و منظور کردن حقوق و هزینه‌های ادارات سرپرستی محصلین در کشورهای اروپا و آمریکا در حدود ۲۵ میلیون تومان یعنی ۵ برابر بوده دانشکاه تهران و دانشگاههای شهرستانهای ایران است.

البته قسمتی از مبلغ مزبور توسط اولیای دانشجویان و قسمت دیگری از آن مستقیماً از بودجه دولت پرداخت می‌گردد، ولی در هر حال این مبلغ هنگفت بصورت ارز از موجودی ارزی کشور مصرف میشود.

اینک بعد از بررسی کمیت و ارقام بمطالعه کیفیت و چگونگی جریانات تحصیلی و سایر مطالب مربوط به این عده می‌پردازیم.

مطالعه واقفیت جریان معلوم می‌کند که مهمترین علت مبادرت محصلین برای مسافرت به خارجه مربوط به بن بست است که جهت ادامه تحصیلات دانشگاهی در داخله کشور در مقابل جوانان قرارداد شده است. زیرا چنانکه می‌دانیم همه ساله در حدود ۱۵ هزار نفر جوان دیپلمه از مدارس متوسطه سراسر کشور خارج می‌شوند ولی فقط در حدود ۴ هزار نفر یعنی کمی بیش از یک ربع از دیپلمه‌های سالیانه کشور توفیق ادامه تحصیلات عالی در مؤسسات دانشگاهی داخلی را حاصل می‌کنند.

با بحساب آوردن آن عده‌ای که جهت خدمت نظام و تبلیغ اعزام گردیده

و همچنین عده دیگری که اکثریت آنها بعنوان آموزگار در دستگاههای فرهنگی مملکت و بقیه بعلت ممنوع بودن استخدام دولتی در مؤسسات ملی مشغول کار میشوند ، در حاصل این محاسبه تقریبی سالانه در حدود ۶ هزار نفر از جوانان دیپلمه کشور سرگردان باقی میمانند که همه ساله عده زیادی از آنان برای ادامه تحصیلات به خارج مسافرت مینمایند .

چنانکه مشهود است ، اکثریت دانشجویانی که همه ساله یکشورهای خارجی میروند در ردیف دیپلمه‌هایی که توفیق ورود به مدارس عالی ایران را پیدا نکرده‌اند قرار دارند و شاید فقط ثلث این عده از دیپلمه‌های برجسته بوده و با وجود اینکه امکان موفقیت آنها برای قبول در کشورهای دانشکده‌های داخلی حتمی بوده است بخاطر اینکه در دانشگاههای خارجی وسیع مساعدت‌های از لحاظ پرورش و تکمیل استعدادهای آنان وجود دارد به اروپا و آمریکا مسافرت کرده‌اند و به این گروه باید آن عده محصلین با استعدادهای که در مسابقات ، خصوصاً اعزام محصل وزارت فرهنگ یا سایر مؤسسات داخلی و خارجی توفیق یافته و فعلاً در ردیف دانشجویان بورسیه ایرانی در دانشگاه‌های خارج قرار داشته و شایسته‌ترین محصلین ما در خارج از کشور هستند ، افزود .

یکی دیگر از علل اساسی شور و هیجان استقبال جوانان جهت مسافرت به خارج صرف نظر از مسئله عدم امکان ادامه تحصیلات عالیه در داخله کشور که شرح آن گذشت «علت روانشناسی قضیه» است که بررسی آن در خود وقت و شایان اهمیت است و دارای دو جنبه می‌باشد که یکی از جبر زمانه ناشی گردیده و دیگری محسوس و نسبی است که در محیط اجتماعی بوجود آمده است .

آنچه جبری و اجتناب ناپذیر بوده آنست که از دیر باز چنانکه میدانیم کشورهای عقب افتاده آسیائی و آفریقائی تابع دنیای مغرب بوده و تحت تأثیر جاذبه این کشورها کلیه مقاطع حیات اجتماعی خود را آرایش میداده‌اند بعد از جنگ جهانی اخیر که جوامع عقب افتاده سابق در تکاپوی ترقی افتاده و نام کشورهای در حال توسعه را بخود گرفتند ، بعلت ازدیاد وسائل ارتباطی گوناگون و احساس اختلاف پتانسیل موجود در محیطهای اجتماعی شرق و غرب و یک سلسله عوامل دیگر ، دچار عوارض غرب زدگی گسردیدند و در جوانان این کشورها که به مقتضای طبیعت خود زمینه مساعدتری از سایر طبقات دارند این شیفتگی به نقطه‌ی بحرانی خود رسیده است .

اما در باره‌ی آنچه که مربوط به تأثیر محیط اجتماعی می‌گردد ، بعلت ارجح و ارزش مبالغه آمیزی است که در نسبت نسبت به گروه فرهنگ‌دوستان



و خارج دیدگان بدون توجه به شخصیت واقعی علمی و فردی آنان در دستگاه های اجتماعی کشور و حتی در میان خانواده های ایرانی شیوع داشته و در چندسال اخیر به اوج افلاهی خود رسیده است .

این واقعیت وضع روحی اسفناکی را برای نسل جوان کشور که از نقطه نظر روانشناسی بسیار قابل مطالعه و تأمل است ، بوجود آورده است . بطوری که مسئله «مسافرت به خارجه» اسولا برای اکثریت جوانان ایرانی بصورت يك «عقدهی روحی» درآمده و بخاطر گشایش آن تلاش میکنند ، بهر ترتیبی که میسر گردد . خود را به آن طرف مرز برسانند تا در آینده بتوانند از جهات مختلف در جامعهی ایران بهره برداری نمایند .

در دنیای این طرز تفکر ، حتی دیده و شنیده شده است که برخی از جوانان ما ، بعد از پایان تحصیلات متوسطه خود ، اساساً در کنگره های دانشگاهی کشور نام نویسی نمی کنند و چنانچه شرکت هم نمودند ، مخصوصاً در ادوات امتحانی خود مطلبی نمی نویسند تا مردود قلمداد شده در نتیجه خانواده های خود را مجبور کنند که آنها را بخارج اعزام دارند .

شیمی است خانواده ها نیز برای اینکه فرزندان شان که در حادث ترین سنین طبقاتی های روحی و عیجانات حاسی جوانی قرار دارند ، در اثر بیکاری و گشت و سپر در خیابانها و معابر عمومی به استقبال ستمها و فاسد اجتماعی نرفته و بعمارت دیگر و لگد بازی نیایند ، با هر مرزات و مشقتی که باشد وسائل تحصیل آنان را جهت مسافرت بخارج تهیه کرده و بدین طریق شر این جوانان عاسی را که اقامتشان در ایران ممکن است محل آسایش و حتی بدنامی خانواده کی گردد ، از سر خود دفع می کنند و در این زمینه خانواده هائی یافت میشوند که با وجود عدم وضع مساعد و مطالب مادی بهر ترتیبی شده فرزندان خود را به اروپا و آمریکا فرستاده و انواع علوم انسانی

در خاشبهی مطلبی لازم است یاد آوری کنم که مقصود از بیان این مطالب ، بهیچوجه طرفداری از جنبهی منفی مسئله اعزام دانشجو به خارجه نبود بلکه بالمعکس چنانکه توضیح خواهم داد جنبه های مثبت این مسئله از لحاظ جامعهی مادارای ارزش فراوانی است ؛ منتهی چون در این سمینار اصل بر آن قرار گرفته که مسائل با تطبیق بر واقعیت های مشهود و محسوس بیان گردیده و شیوه بررسی تحقیقاتی مراعات گردد ، بنابراین دور از هر گونه تعاملات مثبت یا منفی همه ی جواب مسئله را طرح میکنم تا حقایق آنچنان که وجود دارند از پس پندارهای مهم و احیاناً غلط که موضوع مورد بحث را احاطه کرده اند تجلی نمایند .

به پیروی از این اصل خادارد این موضوع نیز تذکر داده شود که

مشکل بزرگ اجتماعی مسئله‌ی دانشجویان ایرانی در خارج آنچنان نگرانی علاقمندان به مملکت را فراهم کرده است که برخی از افراد خیرخواه و با حسن نیت را متقاعد نموده است که بوسیله‌ی توسعه‌ی دانشگاه‌های قلمی ایران و تأسیس سریع دانشگاه‌های جدید در بسیاری از شهرستانها، اصولاً ترتیبی اتخاذ گردد تا از اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور جلوگیری و معانت بعمل آید در صورتی که اگر در مطالعه جریان مزبور به مصالح همه جانبه مملکت توجه دقیق مبذول گردد معلوم می‌شود که چنین اظهار نظری بهیچوجه صحیح نبوده و مقتضیات کنونی جامعه‌ی ما هنوز مسئله مسافرت عده‌ای از جوانان ایرانی برای تحصیل در کشورهای خارجی را ایجاب می‌کند.

توضیح اینکه اولاً مسئله تأسیس دانشگاه‌های جدید هر چند که زمینه از لحاظ اعتبارات مالی و تعداد داوطلب فراهم باشد یافتن استادان واجد صلاحیت به اندازه لازم و کافی معنی و مفهومی از نقطه نظر تعلیماتی ندارد و هم‌اکنون بسیاری از دانشگاه‌های موجود که با شتابزدگی احداث گردیده است با توجه با ارتفاع مؤسسات دانشگاهی جهان و ترقیات علمی دنیای امروز دارای نواقص هستند که اگر ملاحظه در طی ده سال آینده آنها را تکمیل کنیم خدمت بسیار شایسته و مؤثری برای ارتقاء سطح فرهنگی کشور انجام داده‌ایم.

ثانیاً بدون پرده پوشش باید سرریخاً اعتراف نمود که در وضع حاضر این مؤسسات جوان دانشگاهی داخلی بهیچوجه قادر نخواهند بود احتیاجات عالیله کشور را برآورده نمایند، زیرا نیازمندیهای مملکت فقط محدود و منحصر به تربیت معلم، قضای و طبیب برای قلمن شهرستان نیست و بدون اینکه منکر اهمیت و حتی ضرورت چنین افرادی برای جامعه ایران بشویم عقیده داریم که علاوه بر تهیه این قبیل کادرها که تربیت آنها از طریق دانشگاه‌های داخلی مقدور است، جهت اجزای برنامه‌های عالی اصلاحاتی کشور اجباراً احتیاج مبرمی بوجود یک عده کارشناسان درجه اول و متخصصین عالی‌مقام ایرانی که هم اکنون عده قابل ملاحظه‌ای از خارجیان حفره‌های مربوط به آنان را پر کرده‌اند خواهیم داشت. طبیعی است که برای تهیه و تربیت اینگونه کادرها لزوم مسئله‌ی اعزام محصل بخارج احساس می‌گردد، منتهی پایه و اساس سیاستی که در خصوص تحصیل این گروه در کشورهای خارجی در نظر گرفته میشود باید متکی بدو اصل باشد.

۱- در این باره همچنین رجوع کنید به سلسله گفتارهای «جوانی پر رنج»  
 پویزه مسئله‌ی تحصیل، مجله‌ی مسائل ایران ش ۶، فروردین ۱۳۴۲ ص  
 ۲۷۷ به بعد.

نخست اینکه شرایطی بوجود آید که در جریان آن جهت یا استعداد  
 ترین و شاخص‌ترین افراد نسل جوان امکان تحصیل در خارج فراهم گردد.  
 دوم اینکه در انتخاب رشته تحصیلی جوانان مزبور با توجه به ذوق  
 و علاقه فردی که در چگونگی معلومات آینده آنان مؤثر است احتیاجات  
 عالیه کشور از لحاظ علمی و فنی هدف اصلی قرار داده شود و یا به عبارت  
 دیگر باید آن رشته‌های از علوم و فنون جهت تحصیل دانشجویان اعزام  
 بخارج در نظر گرفته شود که ابرار را از متخصصین و کارشناسان بیگانه  
 بدریجا بی نیاز کند.

مرداف این اعزام حتماً میبایست همه‌ساله گرومی از جوانان شایسته  
 و مستعد برای تکمیل کادرهای دانشگاهی ایران بهراکز تعلیماتی خارجه  
 فرستاده شوند تا دانشگاههای داخلی که در شرایط فعلی با رکود و عدم تحرک  
 مواجه است بتواند با تحولات علمی و فنی جهان امروز خود را هم آهنگ  
 نماید.

بنابراین با توجه به نکات فوق و مصالح همه جسانه‌ی کشور هنوز تا  
 مدتها نمیتوان موضوع فرستادن محصل بخارج را در کشور ماحاتمه یافته  
 تلقی نمود و اصولاً مسئله اعزام دانشجویان بهجوجه نباید موجهات ناراحتی و  
 تشویش خاطر را فراهم کند زیرا همانطور که شرح گردید پیروی از این  
 هدف چنانچه روی شالوده صحیحی نباشد نتایج بسیار درخشانی که دارای  
 جنبه‌های اجتماعی فوق‌العاده مهمی است عاید مملکت خواهد نمود.

آنچه مسلم است، با اتخاذ یک سیاست صحیح تعلیماتی و طرح یک نقشه  
 ویرنامه‌ی مثبت در مسئله اعزام دانشجویان با امکانات کنونی بجویی قادر  
 هستیم سالیانه عده قابل توجهی از تحصیلین برجسته نوجوانان را بین دیپلمه‌ها  
 بلکه از میان لیسانسیه‌ها و مهندسیین و دکترهائی که تحصیلات عالیه خود را  
 در ایران بپایان رسانیده‌اند از محل هزینه‌های این کشور برای دانشجویان  
 ایرانی مقیم خارجه مصرف میشود بخارج دولت اختصاصاً جهت تأمین  
 نیازمندیهای علمی و فنی مملکت به خارجه اعزام داشته و با رهبری صحیح  
 آنها در کشورهای بیگانه، افرادی شایسته و کاردان که باعث افتخار وطن ما  
 بوده و معرف استعدادهای طبیعی و ذاتی نسل جوان این ملت گهسان و تاریخی  
 باشند، به ایران بازگردانیم. آنچه مسلم است چاره‌اندیشی و رفع دشواری  
 های موجود که شاید در پایداری امر مهم و پیچیده جلوه گری میبایند از حدود  
 مقدورات و امکانات ما بهجوجه خارج نموده و بدون تردید از اتخاذ یک  
 روش صحیح و اصولی محققاً در این زمینه نتیجه مطلوب عاید خواهد  
 گردید.

یک قسمت دیگر از بحث ما که به دانشجویان ایرانی مقیم خارجه مربوط



میگردد مسئله‌ی کار برای تحصیل کرده‌هایی است که از خارج به کشور باز می‌گردند و ما برای جامعیت بخشیدن به بحث خود ناچار هستیم که وجوه کلی مسئله را مطرح کنیم :

حقیقت آنست که چنین مشکلی با کمال وضوح در جامعه‌ما خود نمائی می‌کند ، موضوع شایان اهمیت آنست که از طرفی حرکت جامعه احتیاج به کادرهای متخصص را ایجاد میکند ولی از طرف دیگر از کادرهای تحصیل کرده بطور متناسب استفاده‌های لازم بعمل نمی‌آید و حل این تضاد یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی‌ما را تشکیل میدهد .

یک مطلب اساسی حول محور اصلی این پدیده دور میزند که جنبه تئوری قضیه است و بدون توجه به آن حل عملی این مشکل امکان ندارد ، و ما بطور خلاصه آنرا مطرح میکنیم :

در دنیای امروز علم را فقط بخاطر علم نمی‌آموزند ، بلکه آنرا برای مقابله با مشکلات روزمره‌ی اجتماعی بکار میبرند ، بنابراین کادرهای تربیت شده و متخصص که از دانشگاهها خارج می‌شوند میبایست مستقیماً احتیاجات متفاوت و مدرج دستگاههای اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، بهداشتی و سیاسی جامعه را مرتفع سازند . و از اینجا نتیجه می‌شود که تهیه تعداد مورد احتیاج از هر نوع کادر باید متناسب با احتیاجات متنبر دستگاههای عمل کننده باشد ، و اگر این توزیع بطور منطقی بین رشته‌های مختلف از یک طرف و درجات تخصص از طرف دیگر عملی نشود ، تحصیلات نه تنها دردی را درمان نمی‌کند بلکه خود مشکل لاینحلی را بوجود میآورد و مشکلات موجود عم بعلت عدم توجه به این قضیه ناشی شده است ، بعسارت دیگر تا زمانیکه برنامه‌های اجتماعی مشخصی تهیه و میزان احتیاجات در هر محل مختلف ارزیابی نگردیده و بر مبنای این سنجش برای تهیه کادر در رشته‌های متناسب اقدام بعمل نیاید ، عدم هم آهنگی در توزیع کادرها اجاباد تودمی را بوجود خواهد آورد و باید بخاطر داشته باشیم که همیشه مسئله‌ی کمبود کادر ایجاد بحران نمی‌کند بلکه افزایش غیر معقول کادرها بقسمیکه مجموعه آنها نتوانند بطور صحیح توزیع شوند برای یک جامعه خطرات بیشتری که صرف نظر از جنبه‌های مادی ، جنبه روانی آن قابل ملاحظه تر است ایجاد خواهد نمود .

پس از تدوین برنامه‌های مشخص اجتماعی و تعیین کادرهای لازم باید شرایط خاصی که برای کار متخصص مطرح است در نظر گرفته شود ، این شرایط یکی به مختصات روحی او و دیگری به محیط کار مربوط می‌شود .

در قسمت اول باید یک کادر تحصیل کرده و متخصص از لحاظ روانی

کاملاً آماده کار باشد و در حالت عامل مادی که معمولاً در این موارد بیان می‌شود برای یک فرد تحصیل کرده و یک کادر متخصص در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در این میان مهم آنست که یک نفر متخصص دارای هدف و آرمانی باشد که از جامعه کسب می‌کند. بعبارت دیگر کار خود را بحال کشور مقید بداند و مطمئن باشد که کار او جزئی از یک مجموعه کار هم آهنگ و موثر و سازنده است. فقط در چنین مختصات روحی است که کار او از صورت یک انجام وظیفه خشک و بسته کننده تبدیل به فعالیت خلاق و زنده‌ای می‌گردد که در پناه آن می‌تواند انرژی حیاتی و فکری خود را بکار انداخته و حداکثر راندمان از ظرفیت علمی و فنی او اخذ گردد.

قسمت دوم مربوط به محیط کار است. وقتی که یک تحصیل کرده متخصص جدید سراغ کار می‌رود معمولاً میبایست جانشین یک مهره قدیمی آن دستگاه گردد و این جریان بلافاصله دوازش متقابل را روبروی هم قرار میدهد. فردی که صلاحیت ندارد یا صلاحیت کمتر دارد ولی در این کار دارای تجربه و سابقه است و فردی که صلاحیت دارد و برای تعلیم و تربیت او مبالغه‌گفتنی خرج شده است. برای اینکه در محیط کار این نامعادله به معادله‌ای که جواب بدهد تبدیل شود مقدار زیادی از انرژی اصل کار هدر می‌رود و چه بسیار که دخالت عوامل غیر اخلاقی هم آهنگ با کسب و قوسهای اداری و تشریفاتی محیط کار، مزید بر علت گردیده و مانع ایجاد محیط متعال که شرط اساسی پیشرفت کار است میشود.

این بود مختصری از خطوط اصلی مسئله‌ای که برای کار تحصیل کرده‌های متخصص که قشر اعظم آن را فارغ التحصیلان ایرانی از خارج تشکیل میدهند، در جامعه ما وجود دارد. و حاجت توضیح نیست که تا این مسئله بر پایه و اساس یک پرنسیپ صحیح بطور قاطعی حل نگردد وضع این گروه همچنان بحرانی باقی مانده و حد اقل زبان این پخران آن خواهد بود که بطور غیر مستقیم که شاید ظاهراً محسوس و مشهود نباشد ترمزی در قبال اجرای هر گونه برنامه‌ها بوجود آید.

پایان